

اندونزی

« پتانسیل متراکم »

رضا غلامی



اندونزی^۱ با ۲۱۶ میلیون نفر جمعیت و ۲۷ استان، چهارمین کشور پرجمعیت جهان است که با داشتن ۸۸٪ جمعیت مسلمان، حدود ۱۵٪ از جمعیت جهان اسلام را در جنوب شرق آسیا در بر گرفته است.

اندونزی بیشتر به مجمع‌الجزایری مشهور است که از چندین هزار جزیره کوچک و بزرگ تشکیل شده و آب و هوایی استوایی دارد. در این میان، جزیره مهم جاوه به عنوان یکی از متراکم‌ترین مناطق جمعیتی جهان، در حالی که مساحتی در حد نیویورک دارد، ۱۰۷ میلیون نفر از جمعیت اندونزی را در خود جای داده است.

طبق آخرین آمارها، به جز اکثریت مسلمان، ۸٪ مسیحی (۵٪ پروتستان و ۳٪ کاتولیک)، ۲٪ هندو، ۱٪ بودایی و ۱٪ پیروان سایر ادیان در این کشور به نحو مسالمت‌آمیزی زندگی می‌کنند.

همچنین اکثریت مسلمانان این کشور، شافعی مذهب‌اند. البته، بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند تعداد شیعیان اندونزی با در نظر گرفتن افرادی که ترجیح داده‌اند تا همچنان در تقیه بمانند به ۲ میلیون نفر می‌رسد.

این کشور، دارای گروه‌های فرهنگی و زبانی متعدد است ولی در این میان نژاد و زبان مالایی به مثابه نژاد و زبان اکثریت و معرف این کشور محسوب می‌شود. این زبان به جز اندونزی در مالزی، نیز زبان اکثریت است و در تایلند، فیلیپین و سنگاپور نیز رواج دارد. زبان مالایی زبان رسمی اندونزی بوده، خط آن و زبان انگلیسی نیز نخستین زبان خارجی است که پس از زبان مالایی در این کشور صحبت می‌شود. هرچند زبان عربی نیز در میان مسلمانان، زبانی آشنا است و در محاورات مذهبی نقش مهمی دارد.

ایمان به خدای یگانه، انسانیت و تمدن، دموکراسی مبتنی بر حکمت، اتفاق آراء و مشورت و عدالت اجتماعی برای آحاد مردم اندونزی، پنج اصل مهمی است که از سال ۱۹۴۵ به عنوان میثاق ملی و تحت عنوان پانچاسیلا شناخته شده است.

اصولاً مردم اندونزی افراد آرام و خونگرمی هستند و با وجود فقر و مشکلات اقتصادی، امید بالایی به زندگی در اغلب آنان مشاهده می‌شود. آنها دارای پشتکار و نظم خوبی هستند و همین امر، معمولی بودن سطح هوش آنها را تا حد زیادی جبران کرده است.

این کشور در سال ۱۹۴۵ و پس از یک دوره بسیار طولانی استعمار از سوی پرتغالی‌ها و هلندی‌ها ۱۹۷۰-۱۵۴۵ به استقلال رسید. از جهت سیاسی پس از حکومت مستبد سوهارتو یعنی از سال ۱۹۹۹ تاکنون، ۴ دولت برای اداره این کشور روی کار آمده‌اند که آخرین آنها دولت آقای سوسیلو بامبانگ یودهویونو^۲ است. این کشور از شش حزب سیاسی فعال برخوردار است که به ترتیب اهمیت عبارتند از: حزب رئیس‌جمهور فعلی (PD)، پی. کی. اس. (PKS) به رهبری نور هدایت واحد، گلکار (GOLKAR) به رهبری یوسف کالا (معاون رئیس‌جمهور)، پی. دی. ای (PDI) به رهبری خانم مگاواتی رئیس‌جمهور سابق، پی. کی. بی. (PKB) وابسته به نهضت‌العلماء، پی. پی. پی (PPP) به رهبری حمزه هز که به مثابه یک اتحادیه برای برخی احزاب عمل می‌کند.

دولت اندونزی روابط خارجی خود را بر اساس منافع خود پیش می‌برد و با وجود مخالفت گسترده افکار عمومی با دولت امریکا، این کشور در حال حاضر درصدد افزایش مرادوات خود با ایالات متحده به منظور اخذ کمک‌های بیشتر از این کشور در عرصه‌های اقتصادی و نظامی است و بر این اساس تاکنون در برابر خواست دولت آمریکا برای برقراری ارتباط با اسرائیل نیز از خود نرمش نشان داده و ملاقات‌هایی نیز توسط مقامات عالی‌اندونزیایی و اسرائیلی صورت گرفته که البته همواره با مخالفت‌های مردم مواجه بوده است. همچنین در طول یک سال اخیر و احتمالاً با لحاظ فشارهای ایالات متحده، روابط ایران و این کشور نیز فقط در سطح بسیار نازل جریان داشته است.

این کشور دارای منابع طبیعی سرشار و

پتانسیل‌های کم نظیر اقتصادی به‌ویژه در زمینه معادن، کشاورزی و نیروی کار ارزان است و در حال حاضر ۲۵٪ تولید جهانی کائوچو را به خود اختصاص داده است. ولی چه بسا ورود زود هنگام در عرصه تجارت جهانی و فساد اداری، مانع پیشرفت این کشور در عرصه‌های اقتصادی شده و این کشور را از همسایه‌های موفق خود مانند مالزی و سنگاپور عقب نگاه داشته است. در عین حال، هم‌اکنون اندونزی یکی از پشتیبانان اصلی همکاری اقتصادی آسیا - اقیانوسیه (APEC) است و نقش مؤثری را در این زمینه برعهده دارد. شاید ذکر این نکته مفید باشد که سرمایه‌گذاران چینی که در دوره استعمار نیز با استعمارگران همکاری داشته‌اند در حال حاضر بخش‌های مهمی از اقتصاد این کشور را در اختیار دارند ولی از محبوبیتی در میان مردم برخوردار نیستند.

برخی آمارهای دولتی نشان می‌دهد که ۳۰٪ از جمعیت اندونزی در زیر خط فقر قرار دارند ولی شواهد و قرائن موجود گویای درصد بیشتری از فقر در اندونزی است. با این حال تلاش‌های زیادی برای تقویت زیرساخت‌های اقتصادی در این کشور صورت می‌گیرد (عمدتاً از طریق سرمایه‌گذاری خارجی) ولی معلوم نیست که نهایتاً گسترش حضور خارجی‌ها در مقدرات اقتصادی کشور تا چه حد برای

آینده اقتصادی اندونزی مفید خواهد بود. هم‌اکنون یازده شبکه تلویزیونی سراسری و هفتاد شبکه تلویزیونی محلی در این کشور فعالیت دارند که به جز شبکه دولتی TVRI، سایر شبکه‌های خصوصی می‌باشند. این شبکه‌ها که در جهت منافع اقتصادی خود فعالیت می‌کنند در زمینه ترویج فرهنگ غربی در اندونزی نقش مؤثری ایفا می‌کنند ولی با این حال اغلب آنها عقاید و باورهای مذهبی مسلمانان را رعایت نموده و با پخش برخی برنامه‌های مذهبی به‌ویژه در مناسبت‌های ویژه مانند ماه مبارک رمضان، نسبت به جذب افشار مذهبی نیز اهتمام دارند. شبکه‌های مزبور عبارتند از: GTV, ANTeve, TV7, Trans, GEM, Tv, TPI, SCTV, RCTI, MetroTv, Lativi, Indosiar. سیستم نشر و اطلاع‌رسانی در اندونزی از جهت فنی نسبتاً پیشرفته است و کمیت و کیفیت منشورات عمومی و تخصصی حاکی از فعال بودن این بخش در اندونزی است. در حال حاضر، هفت روزنامه به نام‌های media, Suara, Pembaharuan, Koran Tempo, Kompas, Republika, Seputar Indonesia, The Jakarta Post و Indonesia جزء مهم‌ترین روزنامه‌های اندونزیایی محسوب می‌شوند. همچنین هفته‌نامه‌های مهمی چون: Gatra و Tempo و نیز ده‌ها وب سایت که برای نمونه می‌توان به سایت

www.detik.com اشاره داشت،

اطلاع‌رسانی عمومی را برعهده دارند.

تعداد ناشران، کیفیت نشر، سیستم توزیع کتاب نیز در این کشور قابل اعتنا است. از میان ناشران مهم مذهبی که به افکار جدید دینی نیز توجه شایانی دارد می‌توان به انتشارات میزان (MIZAN) اشاره نمود که نماینده بسیاری از ناشران مذهبی کوچک نیز نمایندگی می‌باشد. همچنین انتشارات PT Serambi, Gema, InsaniPress, Lentera, Kanisius, Yayasan Obor Indonesia و نیز انتشارات مسیحی گرامدیا (Gramedia) که مهم‌ترین مرکز پخش کتاب نیز محسوب شده و بدون اعمال محدودیت خاص و به‌کارگیری روش‌های پیشرفته، آثار تخصصی و عمومی را در این کشور توزیع می‌کند، جزء ناشران فعال محسوب می‌گردند. البته با آنکه درصد قابل توجهی از محصولات ناشران اندونزیایی ترجمه است و ناشران تمایلات مخاطب را در فعالیت‌های خود اصل قرار داده‌اند، تیراژ کتاب در این کشور نسبت به جمعیت آن بسیار پایین است و احتمال می‌رود که فقر مهم‌ترین عامل در کم رونق شدن بازار کتاب در این کشور باشد.

گرچه محافل علمی اندونزی، دارای مجلات تخصصی متعددی هستند، تعداد مجلات علمی معتبر که به طور مرتب منتشر می‌شوند اندک است و توزیع مجلات صرفاً به صورت اشتراک و توزیع محدود میان افراد و مؤسسات هم‌فکر صورت می‌گیرد. از جمله مهم‌ترین مجلات علمی در حوزه علوم اسلامی می‌توان به مجلات Teology Media, Refleksi, Studi Islamika, Al-jamiah, Paramedina, Tadjid و نیز مجلات: Celt و Diskursus در عرصه فلسفه اشاره کرد.

نظام آموزشی اندونزی نظامی دقیق و منظم است و با وجود نرخ ۱۷ درصدی بی‌سوادی در این کشور، میزان ورود و خروج دانشجو در سطوح مختلف، نشانگر علاقه نسل جوان به تحصیل و نیز اهمیت میزان تحصیلات در اشتغال برای جوانان اندونزیایی است. شاید داوری مطلق درباره



کیفیت مراکز آموزشی در همه رشته‌ها دشوار باشد ولی بررسی‌ها نشان می‌دهد با وجود کمیت قابل توجه دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی در این کشور، هنوز مراکز علمی قادر به رقابت با دانشگاه‌های مهم منطقه نشده‌اند. اصولاً چه در نظام آموزشی و چه در نظام پژوهشی اندونزی، نوآوری علمی چندانی به چشم نمی‌خورد و آنها ترجیح داده‌اند تا بیشتر از الگوهای سایر کشورهای پیشرفته - به اقتضای رشته - استفاده نمایند و البته باید در نظر داشت که در این مسیر دولت‌های اروپایی همکاری‌های زیادی با این کشور داشته‌اند. از جمله مهم‌ترین مشهورترین دانشگاه‌های اندونزی می‌توان به دانشگاه اندونزی، دانشگاه شریف هدایه‌الله (UIN)، دانشگاه پارامدینه (Paramadina)، دانشگاه اوهمکا (Uhamka)، دانشگاه محمدیه، دانشگاه جاکارتا، دانشگاه یونیسما (Unisma) (اسلامی - در شهر بوگور)، دانشگاه ابن‌خلدون (در شهر بوگور) دانشگاه اشرفیه (اسلامی)، دانشگاه دریاراکارا (Driyakara) (فلسفه غرب)، دانشگاه پاکوئین (Pakuan) و دانشگاه کشاورزی، اشاره کرد.

در بخش آموزش مذهبی، از گذشته دو سیستم عمده فعال بوده است. مدارس و معهدهای سنتی و با سابقه علوم دینی که بیشتر در صدد پرورش «کیایی» یا روحانی می‌باشند و دانشگاه‌های دولتی و خصوصی که با انگیزه‌های مختلف، یک یا چند دانشکده خود را به رشته‌هایی چون کلام، فلسفه و یا عرفان و غیره اختصاص داده‌اند. البته طبیعی است که روش‌های آموزشی و نتایج این دو سیستم مزبور همواره متفاوت بوده و رسالت فارغ‌التحصیلان معهدها با دانشکده‌های اسلامی یکسان نیست. سیستم آموزش سنتی اندونزی وابسته به نهضت‌العلماء، یکی از بزرگ‌ترین گروه‌های اسلامی اندونزی است که به پسترن (Pesantren) معروف است و ده‌ها مدرسه علمیه را در دل خود جا داده است و از دانشگاه‌های فعال در رشته‌های اسلامی نیز می‌توان به دانشگاه شریف هدایه‌الله و دانشکده‌های

کلام و فلسفه، تربیت و تبلیغ آن اشاره کرد که عمدتاً به گروه محمدیه دومین گروه اسلامی در اندونزی وابستگی دارند. همچنین باید توجه داشت که در حوزه آموزش اسلامی نمی‌توان تأثیر کشورهای عربی مانند مصر و عربستان سعودی (چه در روش‌ها و چه محتوا) نادیده گرفت.

البته نازل بودن سطح کیفی آموزش عالی اسلامی، موضوعی نیست که بتوان درباره آن تردید داشت. اصولاً نه معهدهای سنتی قادر به پاسخ‌گویی به نیازهای فکری اقشار مختلف جامعه امروز می‌باشند و نه دانشگاه‌ها. معهدها عمدتاً در حد پرورش کیایی برای رسیدگی به امور روزمره مردم متوقف مانده‌اند و دانشگاه‌ها نیز در سطح، حرکت نموده و درگیر مراتب دانشگاهی شده‌اند و در این میان امروزه سؤالات و شبهات بی‌پاسخ فراوانی را می‌توان یافت که مورد بی‌اعتنایی مراکز مزبور قرار گرفته است.

از سوی دیگر برخی کشورهای خارجی نیز به فعالیت‌های فرهنگی در این کشور علاقه نشان می‌دهند که برای نمونه می‌توان به برنامه‌های متنوع فرهنگی سفارت‌خانه‌های استرالیا (که علاقه‌مند است اندونزی را به دیده مستعمره خود نگاه کند در حالی که در این کشور محبوبیتی ندارد)، انگلیس و امریکا اشاره کرد. البته شاید مهم‌ترین راه برای ترویج

فرهنگ غربی در این منطقه گسترش آموزش زبان انگلیسی باشد لذا وجود شعبات پرشماری از برخی مؤسسات بین‌المللی آموزش زبان انگلیسی در اندونزی قابل ملاحظه است که برای نمونه می‌توان به موسسه‌ای. اف. (EF) که مخفف English First است اشاره داشت.

در این کشور دو گروه فکری عمده در رقابتند. بزرگ‌ترین گروه تحت عنوان «نهضت العلماء» (۱۹۰۸) عمدتاً نمایندگی طیف اسلام‌گرای سنتی و شافعی مذهب را عهده‌دار بوده و مدعی است که بیش از ۴۰ تا ۵۰ میلیون نفر عضو دارد. در حال حاضر رهبری این گروه با احمد هاشم موجادی است.

این گروه ضمن تسلط نسبی بر بخش قابل توجهی از توده مردم، اغلب پایگاه‌های دینی مانند مساجد و مدارس علمیه و مدیریت کیایی‌ها را در اختیار داشته و به نازکی به سمت امور اقتصادی نیز متمایل شده است. در ظاهر تصور می‌شود این گروه با دولت نیز ارتباط تنگاتنگی دارد ولیکن همان‌طور که اشاره شد، این فقط ظاهر امر است و احترام و گرایش دولتمردان به این گروه نمی‌تواند لزوماً چنین نتیجه‌ای را در پی داشته باشد. در سال‌های گذشته، گروهی از نهضت‌العلماء منشعب شده است که از جهت فکری با هسته مرکزی نهضت فاصله معتناهی دارد. این گروه تحت عنوان



از اعضای محمدیه هستند و طبعاً این مجلس به محمدیه نزدیک‌تر است.

رئیس جمهور جدید که با محمدیه نیز قرابت فکری زیادی دارد به افکار سلفی گرایشانی نشان می‌دهد. باید توجه داشت که با وجود نزدیک شدن تعدادی از شیعیان به رئیس جمهور جدید، که از ارتباطات دوستانه ناشی شده، هم‌اکنون شیعیان مجال کمتری برای فعالیت پیدا کرده‌اند چرا که افکار شبه سلفی و معمولاً تند که از وهابیت در سعودی متأثر است، با تفکرات شیعه همخوانی ندارد. البته شیعیان اندونزی که جمعیت آنها نامعلوم است اقلیتی کم‌تأثیر می‌باشند و از ابتکار عمل و ظهور فکری ویژه‌ای برخوردار نیستند.

آنچه جالب است فتوای عجیب ماه اخیر مجلس العلماء است که طی آن ترویج پلورالیسم، سکولاریسم و لیبرالیسم را حرام دانسته است. پس از این فتوا، احتمالاً ابعاد تازه‌ای از رقابت دو گروه بنیادگرا و لیبرال را شاهد خواهیم بود و معلوم نیست که برنده این رقابت کدام یک از گروه‌های مزبور باشند. چرا که تحریم‌هایی از این قبیل آن هم در مسائل فکری نوعی اعلام شکست در پاسخ‌گویی است و معمولاً نمی‌تواند راه‌گشا باشد.

در مباحث دینی، موضوع پلورالیسم در اندونزی به سبب وجود مذاهب و ادیان گوناگون، بسیار جدی است و عمدتاً از سوی مسیحیان که پایگاه بسیار قوی و فعالی در این کشور دارند در گوش مسلمانان غرب‌گرا زمزمه شده و از طریق آنها در سطح وسیع مطرح می‌شود. البته ترویج بحث لیبرالیسم و سکولاریسم نیز برای جلوگیری از قدرت یافتن سنت‌گراها و احیاناً تشکیل دولت اسلامی، استراتژی فعالی است که طی مدت طولانی در کشورهای اسلامی و اینجا دنبال شده است. با این وجود، در این کشور به رغم حضور ادیان مختلف، تنش قابل توجهی میان مسلمانان و پیروان سایر ادیان و بین مذاهب اسلامی به چشم نمی‌خورد که این موضوع به خوبی بسیار نرم این نژاد در جنوب شرقی آسیا نیز مرتبط است. البته،



کلینیک‌ها، پرورشگاه‌ها، بیمارستان‌ها و مراکز خیریه را اداره می‌کند. جالب است، محمدیه که خود را به سلفیه نزدیک می‌داند در پی جمع مدرنیسم و اسلام است و با دولت نیز ارتباط بسیار تنگاتنگی دارد چنان که بسیاری از اعضای آن در جایگاه‌های مهم دولتی حضور دارند.

البته سلفی‌ها خود از جمله گروه‌های مهم دیگر اندونزی می‌باشند که با محمدیه نیز قرابت دارند. این گروه که به رهبری دکتر هدایت نور واحد اداره می‌شود دارای افکار انعطاف‌ناپذیری و از بسیاری از گروه‌های بنیادگرا نیز حمایت می‌نماید. سلفی‌ها طبعاً به سعودی‌ها نزدیک‌اند و از طرف آنها حمایت می‌شوند.

البته حقیقتاً جمع برخی افکار این گروه‌ها ناممکن است، چرا که تناقضات عمیقی بین این افکار وجود دارد و بعضاً این وضعیت از تلقی‌های کاملاً متفاوت (با سطحی‌نگری و بدفهمی) از برخی مفاهیم مانند مدرنیسم، لیبرالیسم و غیره سرچشمه یافته است این‌ها واقعیتهایی است که نباید نادیده گرفت.

در دوران سوهارتو، دولت با ایجاد زمینه تأسیس «مجلس العلماء» (۱۹۷۵)، انجام مجموعه کارشناسی‌های رسمی و صدور فتاوی دینی را به این مجلس، که اغلب علمای همه شهرها و گروه‌ها در آن جمع‌اند، سپرده است. در حال حاضر سه تن از پنج عضو هیأت رئیسه مجلس العلماء

اسلام لیبرال به مدیریت دکتر اولی‌الابصار عمدتاً از سوی عبدالرحمن وحید، رئیس جمهور سابق اندونزی که خود یک کبیایی است و زمانی ریاست نهضت را نیز برعهده داشته حمایت می‌شود. هرچند رگه‌های این تفکر در محمدیه نیز تا حدی به چشم می‌خورد، ظاهراً محمدیه با این گروه هیچ قرابتی ندارد. اگر به نشریات و مباحث علمی گروه اسلام لیبرال نظری بیفکنیم، (<http://islamlib.com>) به بسیاری از مباحث داغ روشنفکری و شبهاتی که ایران و جهان عرب در دهه قبل با آن مواجه بوده است، برمی‌خوریم. اما، متأسفانه این مباحث عمدتاً رنگ ژورنالیستی دارند و از عمق و استحکام علمی برخوردار نیستند. با این همه کم‌عمقی به هیچ وجه به معنای بی‌تأثیر بودن شبهات و مسائل مزبور در میان نسل جوان اندونزی نخواهد بود.

گروه دیگری با نام «محمدیه» (۱۹۱۲) به رهبری دکتر دین شمس‌الدین، و با ادعای برخوردار از ۳۰ تا ۴۰ میلیون عضو، دومین گروه مذهبی بزرگ اندونزی محسوب می‌گردد. بسیاری از صاحب‌نظران، محمدیه (که به مذهب حنفی گرایش دارد) را بزرگ‌ترین و مهم‌ترین جنبش آموزش اسلامی دانسته‌اند که با هدف بالا بردن سطح فرهنگ اندیشه اسلامی با روش‌های جدید تأسیس شده است و هم‌اکنون علاوه بر عمده دانشگاه‌ها و مؤسسات فرهنگی مهم، بسیاری از

اخيراً شاهد تکفیر گروهی به نام «احمدیه» بودیم که با نفی مفهوم خاتمیت به منزله پایان نبوت، پیامبر و کتاب آسمانی جدیدی را معرفی کرده بودند! همچنین باید توجه داشت که دستگاه مسیحیت در اندونزی مانند بسیاری از کشورهای اسلامی بسیار فعال است و توانسته است بسیاری از جوانان مسلمان را با شعارهایی مانند محبت و تساهل جذب کند. این شعارها برای مسلمانان که هم‌اکنون متهم به حمایت از تروریسم و خشونت می‌باشند نوعی طعنه نیز محسوب می‌شود. سیاست دولت اندونزی نیز همواره پیام‌آور رعایت نوعی تساوی (نه عدالت!) میان مسلمانان و مسیحیان بوده است، به طوری که در مقابل هر مسجد بزرگ یک کلیسا نیز ساخته می‌شود.

اما آنچه درباره وضعیت کنونی اندونزی بسیار قابل توجه است، تنفس اندونزی در فضای «جهانی شدن» است. با این سیر جهانی شدن، به نظر می‌رسد همه چیز از کنترل خارج شده و عملاً میدان نفوذ غرب در همه عرصه‌ها در کشور باز گردیده است. اگر واقع‌بینانه به اوضاع بنگریم، در حال حاضر عملاً این کشور فاقد استقلال است چرا که همه مقدرات اندونزی را مقتضیات جهانی شدن تعیین می‌کند. به همین دلیل، گروه‌های اسلامی و دولت، در برابر سیل سهمگین فرهنگ مبتذل غرب که ورود آن همراه با اقتصاد جهانی اجتناب‌ناپذیر است به مثابه یک تماشاگرند.

از طرف دیگر جهانی شدن نوع جدیدی از فقر و فاصله طبقاتی را برای مردم ایجاد کرده است. یعنی مردمی که به امید رفاه، تن به اقتصاد آزاد داده‌اند امروز بیش از گذشته باید عملاً رنج فقر و بدبختی را که در پشت برج‌ها و بازارهای لوکس غربی مخفی شده تحمل کنند. به این ترتیب، طبیعتی است که فکر و اندیشه نیز خسوار و خفیف شده و عملاً نوعی سطحی‌گرایی و نشخوار کردن اندیشه‌های بی‌مبنای متفکران غربی ارزشمند گردیده است.

متأسفانه از این بابت نخبگان

اندونزیایی بیش‌تر مترجمند و نه متفکر و قدرت باز کردن مسیرهای تازه برای خروج مسلمانان از بن‌بست را ندارند.

آنچه که در این میان قابل تأمل است، تلاش آشکار و پنهان غرب برای القای نوع جدیدی از اسلام در میان مسلمانان این منطقه است. به این ترتیب، این طرز تلقی که مسلمانان جنوب شرق آسیا از نوع مترقی اسلام بهره‌مندند و با نوع پسرخته و خشن اسلام در خاورمیانه فاصله مینایی دارند در اندونزی زمزمه می‌شود. این طرز تلقی حداقل خاصیتی که برای غرب خواهد داشت توقف یا کاهش تأثیرگذاری خاورمیانه بر روی مسلمانان این منطقه استراتژیک به ویژه در حوزه سیاسی است. هرچند دست عناصر غرب‌گرای این کشور را برای تحریف‌های جدید در اسلام نیز باز خواهد گذاشت.

در عین حال مباحث فکری روز و عمیق اسلامی در اندونزی همچنان پرطرفدار است و به نظر می‌رسد که امکان تأثیرگذاری فکری کلان در این کشور فراهم شده است. لکن انتقال این مباحث به اندونزی علاوه بر صبر و تحمل، نیازمند هوشیاری و استفاده از مسیرهای منطقی است ضمن اینکه فکر فلسفی در میان نخبگان اندونزیایی مانند برخی از کشورهای عربی رشد نیافته و این موضوع در ارتباطات علمی و تفاهم میان نخبگان تأثیرگذار خواهد بود.

اگر نگاهی گذرا به تاریخ اندونزی داشته باشیم، رد پای عرب‌ها (اعم از سلفی و روشنفکر) را در اندیشه نخبگان اندونزیایی خواهیم یافت. در مقابل، شاید تأثیر فکر ایرانی - شیعی (آن هم به طور ناقص و بسیار ضعیف) تنها پس از انقلاب اسلامی در این کشور با برخی آثار مرحوم مطهری و امام خمینی باز شده است. اما شهرت امام و شهید مطهری به علاوه محبوبیت ایرانی‌ها به خاطر ایستادگی در برابر امریکا به قدری هست که امکان طرح مؤثر مباحث جدید اسلامی از منظر آن دو بزرگوار و سایر معاریف ایرانی را به سهولت فراهم کند.

پی‌نوشت:

* این مقاله در سفر سه ماهه نگارنده به اندونزی - کالج اسلامی جاکارتا - از تاریخ ۵ مرداد تا ۳۰ مهر ۱۳۸۴ و طی مصاحبه با برخی کارشناسان اندونزیایی و استفاده از منابع زیر تهیه شده است.

1. Indonesia.
2. SBY

منابع:

1. Encarta encyclopedia
2. <http://en.wikipedia.org/Indonesia>
3. <http://countrystudies.us/Indonesia>
4. www.nationbynation.com/Indonesia
5. www.photius.com/Indonesia
6. www.alislam.or.id
7. <http://phlta.ucsm.as.uk/Indon>
8. www.nu.or.id
9. www.icmi.or.id/ind
10. <http://islamlib.com>

۱۱. دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، جلد دهم، صفحه ۳۴۶ تا ۳۶۲.
۱۲. کتاب سبز وزارت امور خارجه - اندونزی.

